



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ (۱۵) تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ  
عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۱۶) فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً  
بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۷) أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ (۱۸) أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ  
جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۹) وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا  
وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۰) وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ  
يَرْجِعُونَ (۲۱) وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ (۲۲) ﴿

فطرت توحیدی انسان و اصناف انسان‌ها در برخورد با تذکره انبیا

چون این سوره مبارکه «سجده» در مکه نازل شد بعد از بیان مسائل توحید و وحی و نبوت به این نکته پرداختند که حقیقت ایمان بر اساس آن فطرت در دل‌های همه نهاده شده است (يك) در اثر غرایز و اغراض دنیایی این فطرت فراموش شده است (دو) اگر انبیای الهی آیات ما را به یاد اینها بیاورند مردم دو قسم‌اند آنها که دارای فطرت سالم‌اند وقتی یادآوری معارف برای آنها مطرح شد همین گروه در راه دین قیام می‌کنند و اینها سه دسته‌اند. در قبال این سه دسته، کسانی‌اند که اگر آیات الهی به یاد اینها بیفتد ما اینها را به یاد الهی متذکر بکنیم دوباره رو برمی‌گردانند اغراض می‌کنند و مجرمانه با رهبران الهی برخورد می‌کنند ما از اینها انتقام می‌گیریم.

فهاهنا امور: امر اول این است که در درون هر کسی معارف الهی تعبیه شده و ذخیره شده است بر اساس آیات فطرت، بر اساس آیه ﴿فَالْتَمِهْهُمَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾<sup>۱</sup> دوم اینکه بسیاری از افراد وقتی به دنیا آمدند با امور دنیایی آشنا شدند آن فطرت فراموششان می‌شود. سوم اینکه ما به وسیله انبیای الهی آیاتی را به آنها نشان می‌دهیم تا آن فطرت فراموش شده به یاد اینها بیفتد. چهارم اینکه کسانی که در برابر تذکره و یادآوری انبیا(علیهم السلام) قرار گرفتند دو دسته مخالف یکدیگرند يك عده مؤمن‌اند که به این تذکره ترتیب اثر می‌دهند يك عده کافر و منافق و مانند آن هستند که رو برگردان‌اند

### تبیین طوایف سه‌گانه مؤمنان با بهره از آیات محل بحث

آنها که رو برگردان‌اند در آیه ۲۲ شرحش خواهد آمد اما آنها که به این تذکره انبیا احترام می‌گذارند آنها سه طایفه‌اند عده‌ای به یاد خدا که بیفتند فوراً خضوع می‌کنند هم قلباً خاشع و خاضع‌اند هم از نظر اعضا و جوارح به عبادت سرگرم می‌شوند نه در درون آنها استکبار و خودخواهی است نه در بیرون تمرد عملی دارند یعنی در ظاهر و باطن، مؤمناً موحداً به سر می‌برند اینها می‌توانند جزء اولیای الهی باشند. دسته دوم و سوم همین گروه کسانی‌اند که وقتی آیات الهی به آنها اطلاع داده شد یا «خَوْفاً مِنَ النَّارِ» اعمال عبادی را انجام می‌دهند یا «شَوْقاً إِلَى الْجَنَّةِ» این بیان نورانی حضرت امیر(سلام الله علیه) که از وجود مبارك امام صادق(علیه السلام) هم نقل شده است که عابدان سه گروه‌اند يك عده «خَوْفاً مِنَ النَّارِ» عبادت می‌کنند يك عده «شَوْقاً إِلَى الْجَنَّةِ» عبادت می‌کنند يك عده «حُبّاً لِلَّهِ» و «شُكْراً لِلَّهِ» عبادت می‌کنند<sup>۲</sup> می‌تواند از همین دو آیه استفاده بشود در آیه اولی<sup>۱</sup> که قرائتش باعث سجده واجب است فرمود مؤمنان راستین کسانی‌اند وقتی به یاد الهی بیفتند یعنی متذکر بشوند مذکران الهی تذکره الهی باعث یادآوری اینها بشود اینها کسانی‌اند که فوراً در پیشگاه خدا سجده می‌کنند (يك) و هیچ خوی خودخواهی هم در آنها نیست (دو) به فکر نجات از جهنم و طمع به بهشت نیستند بلکه «شَوْقاً إِلَى اللَّهِ» است «حُبّاً لِلَّهِ» است

۱. سوره شمس، آیه ۸.

۲. رک: الکافی، ج ۲، ص ۸۴؛ رک: نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷.

«شکراً لله» است در آیه پانزده یعنی همان آیه‌ای که سجده واجب دارد اصلاً صحبت از خوف و طمع نیست فرمود اگر به یاد خدا بیفتند متذکر الهی بشوند مُذَكِّران الهی اینها را به یاد خدا متذکر بکنند اینها فوراً به سجده می‌افتند در حالی که در درون آنها هیچ خودخواهی نیست دیگر سخن از «خَوْفاً من النار» یا «طَمَعاً فی الجنة» نیست اما در آیه شانزده این است که اینها نماز شب را به جا می‌آورند شب‌زنده‌داری دارند و کمتر می‌خوابند و بیشتر به عبادت می‌پردازند و خدای خود را می‌خوانند و می‌خواهند ﴿خَوْفاً﴾ (یک) ﴿وَطَمَعاً﴾ (دو) این خوف و طمع همان «خَوْفاً من النار» و «طَمَعاً فی الجنة» است این برای دسته دوم و سوم است دسته اولی که جزء اولیای الهی هستند به این فکر که از جهنم برهند و به بهشت برسند نیستند خیلی‌ها هستند نماز شب می‌خوانند برای اینکه ثواب بیشتری ببرند اما آن گروه که خَریری دارند به سجده می‌افتند و هیچ استبکاری ندارند عبادت اینها «حَبّاً لله» است «شکراً لله» است یقیناً ذات اقدس الهی به آنها پاداش برتر و بیشتری می‌دهد.

### لقای الهی، پاداش ویژه و متعالی مخلصین در آخرت

پرسش:....پاسخ: منزلت اینها در بهشت محفوظ است در بخش پایانی سوره مبارکه «قمر» دارد که اینها که جزء متَّقین کامل‌اند ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ \* فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾<sup>۳</sup> اینها منزلتی دارند باغی دارند غُرف مبنیه‌ای دارند که لذا ید جسمی اینها در آنجا تأمین می‌شود یک مرحله بالاترند که ﴿عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾ هستند این مقام برتر برای کسی که «خَوْفاً من النار» یا «شَوْقاً الی الجنة» عبادت می‌کند نیست، در آن باغ و غرف مبنیه و ﴿جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾<sup>۴</sup> هر سه دسته شریک‌اند از نظر لذا ید جسمانی هر سه دسته شریک‌اند اما این گروه که ﴿فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾ اینها کسانی‌اند که «حَبّاً لله» عبادت کردند «شکراً لله» عبادت کردند نه «خَوْفاً من النار» یا «شَوْقاً الی الجنة».

۳. سوره قمر، آیات ۵۴ و ۵۵.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۵.

پرسش: ... پاسخ: بله خب سه قسم است اما غایت را ذکر نکرده هیچ طمعی، هیچ علتی برای آنها ذکر نکرده چرا سجده می‌کنند چرا تسبیح دارند چرا تحمید دارند چرا نمی‌خواهد خدا محبوب بالذات است معبود بالذات است مشکور بالذات است آیه شانزده دارد که ﴿خَوْفًا وَطَمَعًا﴾ اما در آیه پانزده دارد اینها به سجده می‌افتند تسبیح دارند تحمید دارند برای چیزی نیست خدا برای چیز نمی‌خواهد خودش محبوب بالذات است مطلوب بالذات است.

پرسش: ... پاسخ: بله، صفاتش را ذات اقدس الهی به اینها خواهد داد ولی اینها طمع ندارند اینکه فرمود: «حَبًّا لله» عبادت می‌کنند «شکراً لله» عبادت می‌کنند ادب عبادت‌کننده‌های کامل اقتضا می‌کند که چیزی نخواهند اما خب ذات اقدس الهی به همه اینها پاداش کریم می‌دهد.

### تفاوت اصناف اهل ایمان در عبادت خدای سبحان

بنابراین آنهایی که «حَبًّا لله» عبادت می‌کنند «شکراً لله» تسبیح و تحمید دارند در درون آنها هیچ خودخواهی و غرور و مَنیت نیست هم قلبشان طیب و طاهر است هم اعضا و جوارحشان در تسبیح و تحمید و سجده است اما آیه شانزده درباره نماز شب خوان‌هاست و همچنین طبق برخی از نقل‌ها مربوط به کسانی است که نماز عشاء را به جا می‌آورند<sup>۵</sup> زمخشری در کشاف نقل کرد دیگران هم نقل کردند هم از وجود مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است هم از وجود مبارک امام مجتبی (سلام الله علیه) نقل شده است که این ﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ﴾ مربوط به نماز شب خوان‌هاست<sup>۶</sup> مَضَج یعنی خوابگاه، اینها از رختخواب فاصله می‌گیرند تجافی می‌کنند از رختخواب برمی‌خیزند در آیه هفده سوره مبارکه «ذاریات» که فرمود: ﴿كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ﴾ هُجوع همان خواب است اینها شب کم می‌خوابند و از رختخواب پهلوتی می‌کنند تجافی می‌کنند چه اینکه از دار غرور هم تجافی دارند این ﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ﴾ هم می‌تواند نسبت به نماز عشاء باشد هم می‌تواند نسبت به نماز شب که روایات وارده درباره نماز شب تقویت می‌شود اینها در عین حال که اهل نماز شب‌اند خدا را

۵. الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۰۰

۶. الکشاف، ج ۳، ص ۵۱۱؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۰۰.

می خوانند یا خوفاً از عذاب او یا طمعاً در ثواب او، خب اینها دست دوم و سوم اند آنها که برای چیزی خدا را عبادت نمی کنند دست اول اند اینکه از وجود مبارك امام باقر (سلام الله عليه) سؤال کردند که این مطلب که شما فرمودید از کدام آیه استفاده کردید حضرت پاسخشان را داد<sup>۷</sup> بر اساس همین جهت است.

### مرتبه عالی و نازل اولیای الهی

از اینکه در آیه پانزده هیچ سخن از هدف و غایتی نیست برای اینکه ذات اقدس الهی مطلوب بالذات است همه نعمت ها را ما از خدا داریم باید در راه خدا صرف کنیم البته این ﴿يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا﴾ ناظر به مرحله نازله این اولیای الهی می تواند باشد چون هر کسی مقرب شد منزلت ابرار را هم یقیناً داراست اما ابرار منزلت مقربان را فاقدند اگر کسی به منزلت مقربین رسید حتماً منزلت ابرار را داراست؛ یعنی «خوفاً من النار» را داراست «شوقاً الی الجنة» را داراست در مرحله پایین تر ولی در مرحله بالاتر «حباً لله» و «شکراً لله» عبادت می کند.

### انفاق همه جانبه مؤمنان

لذا در آیه شانزده فرمود هر چه خدا به اینها داد اینها در راه خدا صرف کردند اگر قلب بود جای خضوع و خشوع الهی قرار دادند اگر اعضا و جوارح بود صرف عبادات او کردند اگر مسئله مال بود در راه او انفاق کردند ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ چیزی خدا به آنها نداد که آنها در راه خدا صرف نکنند لذا خدای سبحان همه این خیرات آنها را پذیرفته این چنین نیست که حالا مسائل عبادی و شب زنده داریشان باشد مسائل انفاقشان نباشد این آیه چون در مکه نازل شد و زکات واجب در مکه نبود این ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ﴾ زکات مستحبی، صدقات، خیرات، مبرات، آنها را می تواند شامل بشود.

چیزی خدا به آنها نداد که آنها در راه خدا صرف نکنند لذا خدای سبحان همه کارهای قلبی و جوارحی آنها را پذیرفت به آنها چیزهایی را داد که کسی نمی فهمد اینها مخفیانه برای خدا کار می کردند چون کسی که اهل نماز شب است غیر از خودش کسی باخبر نیست اگر در خفا خدا را عبادت می کردند خدای سبحان هم برای این گروه يك سلسله اموری را ذخیره کرده است که از انظار و عقول خیلی ها مستور و مخفی است این ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ﴾ که نکره در سیاق نفی است مفید عموم است خیلی ها نمی دانند که خدا برای شب زنده دارها چه چیزی ذخیره کرده است جزای اینها مخفی است خیلی ها بی خبرند همان طوری که کارهای اینها مخفی بود خیلی ها بی خبر بودند لذا هم عبادات اینها را قبول کرد هم جزای اینها مخفی است معلوم نیست که خدا به اینها چه چیزی می خواهد بدهد ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ﴾.

#### تبیین معنای «قره عین»

﴿قُرَّةِ أَعْيُنٍ﴾ هم قبلاً معنا شد که یکی از معانی قُرّه و قارّ همان برودت و سردی است هوای گرم را می گویند هوای حارّ و هوای خنک یا سرد را می گویند هوای قارّ، هوا قارّ است یعنی سرد است یکی از وجوه قُرّة العین این است اشک هم دو قسم است اشک انسان غم دیده گرم است اشک سوزان است اشک انسان خوشحال اشک خنک است اینکه می گویند «قَرَّتِ الْأَعْيُنُ» چشم ما روشن یعنی ما با آمدن شما خوشحال می شویم (يك) اشک شوق بریزیم (دو) که این اشک، قُرّه است یعنی خنک است ما از خدا می خواهیم که اشک خنک از چشم ما بیاید یعنی خوشحال بشویم اشک شوق بریزیم این را می گویند «قَرَّتِ الْأَعْيُنُ» نه یعنی چشم روشن، «قَرَّتِ الْأَعْيُنُ» یعنی حال شما طوری باشد که چشم شما در اثر شوق، اشک خنک بریزد. چه وقت این چشم اشک خنک می ریزد وقتی که محبوب خودش را ببیند وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در آن حدیث معروف فرمود: «جعل قُرَّةُ

عینی فی الصلاة»<sup>۸</sup> من در نماز اشک شوق می ریزم نه اشک غم و گرم برای اینکه محبوبم را در نماز می بینم آنکه وجود مبارك حضرت امیر (سلام الله علیه) فرمود: «أَفَاعْبُدُ مَا لَا أَرَى»<sup>۹</sup> یا «مَا كُنْتُ أَعْبُدُ رَبًّا لَمْ أَرَهُ»<sup>۱۰</sup> می تواند هماهنگ با بیان نورانی پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد که فرمود: «جَعَلَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» من در نماز چشمم روشن می شود و اشک شوق می ریزم خیلی ها ممکن است اشک بریزند اما «خَوْفًا مِنَ النَّارِ» است یا «شَوْقًا إِلَى الْجَنَّةِ» اشک بریزند اما من چون معبودم را در نماز می بینم اشک شوق می ریزم این ﴿قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾ هم می تواند پاداش نماز شب خوان ها باشد چه اینکه ﴿قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾ هم برای وجود مبارك حضرت درباره نمازش بود.

فرمود: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ هر چه خدا به اینها داد اینها همه آنها را در راه ذات اقدس الهی مصرف کردند.

### اقسام دوگانه انسان ، در بیان قرآن کریم

در این قسمت ها فرمود مردم دو قسم اند این بحث هایی که در این قسمت سوره «سجده» است چون مبسوطاً در موارد فراوان گذشت مخصوصاً در سوره مبارکه «روم» آیه ۴۴ به بعد گذشت دیگر نیازی به بحث تفصیلی نیست در سوره مبارکه «روم» این بود که وقتی قیامت فرا می رسد ﴿يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ﴾ مُتَصَدِّعٌ می شوند متفرق می شوند مردم دو گروه اند ﴿مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسَ لَهُمْ يَمْهَدُونَ﴾ \* لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾ مردم دو دسته می شوند جزای مؤمنین مشخص است جزای کفار مشخص است آیات دیگری همین معنا را دارد که آیات سوره مبارکه «روم» بیان کرده در اینجا هم همان دو گروه را مشخص می کند می فرماید: ﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا﴾ مگر می شود که مؤمن با فاسق یکسان باشد هرگز مساوی نیستند.

۸. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۱.

۹. نهج البلاغة، عنوان خطبه ۱۷۹.

۱۰. الکافی، ج ۱، ص ۹۸ و ۱۳۸.

کشاف نقل می‌کند که در جریان جنگ بدر وجود مبارك حضرت امیر (سلام الله علیه) با ولید روبه‌رو شد او گفت که تو نوجوانی و من بزرگ‌تر از تو هستم من شجاع‌تر از تو هستم من گویاتر از تو هستم بنا کرد از خود تعریف کردن وجود مبارك حضرت امیر فرمود: «أُسْكُتُ فَإِنَّكَ فَاسِقٌ»<sup>۱۱</sup> در برابر او، این آیه نازل شد که هم شامل وجود مبارك حضرت امیر و آن کافر می‌شود و هم شامل همه مؤمنان و همه کفار می‌شود این را زمخشری در کشاف نقل کرده در طرق ما هم هست.<sup>۱۲</sup>

تعبیر آیه نوزدهم، نشان‌گر دوام حضور مؤمنان در بهشت

﴿أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ﴾<sup>۱۳</sup> خدای سبحان گاهی به يك انسان می‌گوید ﴿اسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾<sup>۱۴</sup> خب این معلوم نیست که دائمی باشد یا موقت، اگر دائمی بود می‌فرمود «لكما الجنة» اما چون فرمود: ﴿اسْكُنْ﴾<sup>۱۵</sup> خب اگر بعداً فرمود از جنت خارج بشوید منافاتی با ﴿اسْكُنْ﴾ ندارد اما در این‌گونه از موارد دارد بهشت برای اینهاست نه به اینها بگوید در بهشت ساکن باشید دیگر جا برای خروج نیست اگر می‌فرمود «اسكنوا في الجنة» ممکن بود منقطع‌الآخر باشد اما وقتی می‌فرماید: ﴿فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ﴾<sup>۱۶</sup> بهشت جای اینهاست بهشت برای اینهاست خب معلوم می‌شود مأوا بودن، مقر بودن بهشت برای اینها دائمی است

مراتب جزای مؤمنان در بهشت

تازه فرمود این نُزْل است مهمان که وارد می‌شود اگر مثلاً کسی را برای ظهر دعوت کردند اول که وارد می‌شود با شربت یا چایی، يك مختصر پذیرایی می‌شود تا بعد پذیرایی اصلی، این اولین پذیرایی را که از مهمان می‌کنند را می‌گویند نُزْل، می‌فرماید این ﴿جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ﴾ تازه نُزْل است این پیش‌پذیرایی است حالا بعدها چه خواهد داد

۱۱. الکشاف، ج ۳، ص ۵۱۴.

۱۲. تفسیر فرائد الکوفی، ص ۳۲۸ و ۳۲۹؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۷۰.

۱۳. سوره بقره، آیه ۳۵، سوره اعراف، آیه ۱۹.



چه خواهد شد خدا می‌داند ﴿فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ پایش هم همان ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ﴾ خواهد بود یا ﴿عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾ که برای دیگران قابل فهم نیست این اولین پذیرایی‌اش این است که این باغ‌ها را در اختیارشان قرار می‌دهند غرف مبنیه هست ﴿وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّی﴾ هست، ﴿أَنْهَارٌ مِّنْ لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ﴾ هست، ﴿أَنْهَارٌ مِّنْ مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ﴾<sup>۱۴</sup> است و امثال ذلك.

### عذاب دائم و تخدیر ناپذیر دوزخیان

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ﴾ در دنیا ممکن است يك وقت انسان مدتی گرفتار عذاب بشود این عذاب برای او عادی می‌شود ببینید به تعبیر جناب فخر رازی اینها که دستشان را گذاشتند در آب سرد خب آب که سرد باشد اینها متأثر می‌شوند متأذی می‌شوند بعد کم کم دستشان که گرخت شد به اصطلاح تخدیر شد دیگر آن درد را حس نمی‌کنند<sup>۱۵</sup> فرمود قیامت این طور نیست که حالا اگر چند سال بماند تخدیر بشوند عذاب را حس نکنند اینها ﴿كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ﴾<sup>۱۶</sup> هست این آیه هم قبلاً گذشت که هر وقت بخواهند از شدت عذاب فرار کنند اینها را دوباره برمی‌گردانند<sup>۱۷</sup> معلوم می‌شود درد هست عذاب هست این طور نیست که تخدیر بشوند ﴿وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا﴾ در آیات قبلی داشت ﴿مِنْ غَمٍّ﴾ اینجا دیگر ﴿مِنْ غَمٍّ﴾<sup>۱۸</sup> ندارد ﴿أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ﴾ شما باور نمی‌کردید تکذیب می‌کردید.

۱۴. سوره محمد، آیه ۱۵.

۱۵. التفسیر الکبیر، ج ۲۵، ص ۱۴۸.

۱۶. سوره نساء، آیه ۵۶.

۱۷. سوره حج، آیه ۲۲.

۱۸. سوره حج، آیه ۲۲.

## تعبیر لطیف قرآن در تفاوت عذاب دنیا و آخرت

بعد فرمود هاهنا امورٌ أربعه: چهار چیز است که ما دو چیز را می‌گوییم یکی اینکه ما يك عذاب كوچك داریم يك عذاب بزرگ یکی اینکه ما يك عذاب نزديك داریم يك عذاب دور. عذاب دنیا هم نزديك است هم نسبت به عذاب قیامت كوچك، عذاب قیامت هم بزرگ است هم نسبت به دنیا دور در مقام تخويف و انذار و ترساندن از كوچك بودن عذاب نام نمی‌برند از دور بودن عذاب نام نمی‌برند در بین امور چهارگانه همین دو را ذکر می‌کنند یکی نزديك یکی بزرگ، یکی نزديك تر یکی بزرگ تر اما آنکه نزديك تر است كوچك تر است كوچکی‌اش ذکر نمی‌شود آنکه بزرگ تر است دورتر است دور بودنش ذکر نمی‌شود این چهار امر را انتخاب کردند دوتا که لازم بود و کارآمد بود را ذکر فرمود، ﴿وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى﴾ عذاب دنیا نسبت به عذاب آخرت دو خصوصیت دارد یکی اینکه نزديك است دُئو یعنی نزدیکی، نزديك است یکی اینکه كوچك تر هم هست محدودتر هم هست. عذاب قیامت دو خصوصیت دارد یکی اینکه بزرگ تر است یکی اینکه دورتر است در این دو صفتی که برای عذاب دنیا است آن كوچك بودنش را ذکر نفرمود آن نزديك تر بودنش را ذکر کرد درباره عذاب قیامت آن دورتر بودنش را ذکر نفرمود بزرگ تر بودنش را ذکر کرد ﴿وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾ یعنی قبل از آن، نه اینکه عذاب اکبر نمی‌چشانیم یعنی غیر از آن، نه با عدم آن.

### سرّ عذاب دنیوی تبه‌کاران

این عذاب ادنا (یعنی دنیا) یعنی مقداری ما اینها را به عذاب نزديك و نزديك تر معذب می‌کنیم ﴿لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ برای اینکه برگردند توبه کنند انابه کنند يك مقدار ما اینها را فشار می‌آوریم که متنبّه بشوند اگر در زمانی که اختیار بود متنبّه شدند که بسیار خوب مورد قبول است

## پذیرفته نشدن ایمان غیراختیاری و ایمان بدون عمل صالح

اما اگر به آن حالت خطر رسیدند نظیر فرعون که حالا در آب دارد غرق می شود دست و پا می زند حالا می گوید من ایمان آوردم در آن ظرف، ایمان مقبول نیست چه اینکه در ظرف احتضار هم ایمان مقبول نیست. بخش پایانی سوره مبارکه «انعام» این بود چند آیه مانده تا پایان سوره «انعام» در آیه ۱۵۸ به این صورت فرمود، فرمود: ﴿إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ﴾ که همان حالت احتضار یا حالت اضطرار زمان مرگ باشد ﴿لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ﴾ مثل فرعون، فرعون قبلاً ایمان نیاورد آن لحظه که خواست ایمان بیاورد این ایمانش نافع نیست ﴿لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا﴾ در آن لحظه ای که آیات الهی آمد که ﴿لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ﴾ قبلاً در حال اختیار ایمان نیاورد الآن در حال اضطرار ایمان می آورد این ایمان اثر ندارد یا نه، قبلاً ایمان آورد یعنی اصل دین را پذیرفت ولی کاری انجام نداد ﴿لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ﴾ این ﴿كَسَبَتْ﴾ عطف بر ﴿آمَنَتْ﴾ است یعنی «لم تكن كسبت في إيمانها خيراً» ایمان آورد ولی کاری انجام نداد عبادتی، ارکان دینی، فروع دینی، اینها را هیچ انجام نداد اینها در آن لحظه رنج می برند چیزی عایدشان نمی شود این دو گروه در زحمت اند.

### تشابه آیات ۱۰۷ تا ۱۰۹ سوره «اسراء» با آیات پانزدهم و شانزدهم محل بحث

در سوره مبارکه «اسراء» مسئله به سجده افتادن مردان الهی ذکر شده است فرمود: ﴿قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا﴾ به افراد تبهکار می فرماید شما ایمان بیاورید یا نیاورید برای ما فرقی نمی کند ولی مردان الهی وقتی به یاد حق افتادند اهل ایمان و سجده و تسبیح اند ﴿إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا \* وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا \* وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾ این خشوع قلبی اینها این اعمال ظاهری اینها نه «خوفاً من النار» است نه «شوقاً الى الجنة» این آیات ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ سوره مبارکه «اسراء» مشابه همین آیات پانزده و شانزده سوره مبارکه «سجده» است که محل بحث است مخصوصاً آیه پانزدهم.

بنابراین در دنیا يك مقدار عذاب را ذات اقدس الهی می‌چشاند تا اینها توبه کنند اگر توبه نکردند آن روز هیچ اثری و نفعی برای اینها نیست.

### تذکره انبیا در برابر نسیان انسان و اشاره قرآن به ظالم‌ترین انسان‌ها

در قبال این مردان الهی، کسانی‌اند که وقتی آیات الهی برای اینها بازگو شد و اینها متذکر شدند به جای تنبّه، رو برگردان‌اند ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ﴾ تذکره مسبوق به نسیان است (يك) نسیان مسبوق به علم است (دو) علم با همان ﴿فَالْتَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ حاصل شده است (سه) یعنی انسان با سرمایه معرفت دینی خلق شد بعد فراموشش می‌شود بعد انبیا تذکره می‌دهند ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ﴾<sup>۱</sup> این است ﴿لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ﴾<sup>۲</sup> این است و مانند آن. فرمود: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ﴾ در برابر آن مردان الهی که فرمود: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ﴾ بعد فرمود پاداش اینها بهشت است و مانند آن، در برابر این مجرمین فرمود: ﴿إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ﴾ «أَعَاذَنَا اللَّهُ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا».

«و الحمد لله ربّ العالمين»

۱. سوره غاشیه، آیه ۲۱.

۲. سوره قمر، آیات ۱۷ و ۲۲ و ۳۲ و ۴۰.